

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینه مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۱۰۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۶۷۰

اثر بخشی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر قراردادهای نفتی

دکتر محمد رحمان گایینی^۱

دکتر روح اله ملکی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک

امیر مظفری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

چکیده

الزامات روابط بین المللی همچون تنوع منابع و نیاز ها در بستر جامعه جهانی کشورها را ناگزیر از انجام مبادلات بازرگانی در سطح بین المللی می نماید. در این راستا ارگان هایی نظیر سازمان جهانی تجارت چنین مبادلاتی را سهولت بخشیده اند. کشورها برای آنکه قادر باشند به سازمان مذکور پیوندند ضرورت دارد تا مقاصد و اصولشان را با قواعد سازمان تطابق دهند. لذا در راستای پیشرفت شرایط اقتصادی، اصول مرتبط با صادرات و واردات در کشورها بایستی به شکلی مورد تنظیم قرار بگیرد که بتواند در فرایند پیوستن و الحاق آنها به سازمان جهانی تجارت، مفید و موثر واقع گردد. ایران مدت بسیار طولانی بوده که در تلاش است تا اصول و قواعدش را همسو و هم جهت با اصول سازمان جهانی تجارت تغییر دهد. دلیل مهم تعویق در روند الحاق کشور ما به سازمان مذکور، وجود یک سری تناقضات گوناگون در سیاست های تجاری و خارجی بوده است. اهتمام پژوهش حاضر بررسی مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و اثر آن بر قراردادهای نفتی از منظر حقوق عمومی است که به روش توصیفی - تحلیلی می باشد. نتایج حاکی از آن است که مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، وجود برخی امتیازات خاص، منافع عمومی و استانداردهای بین المللی می باشد. الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر قراردادهای نفتی برخی آثار دوگانه به صورت دستاورد و پیامد به همراه دارد.

واژگان کلیدی: قرارداد نفتی، سازمان جهانی تجارت، ایران، حقوق عمومی.

^۱نویسنده مسئول



۱- مقدمه

سازمان جهانی تجارت با بیش از ۱۶۰ عضو حدود ۹۸ درصد از تجارت جهانی را سازمان دهی می نماید. با وجود پیچیدگی و فشارهای اقتصادی که ممکن است در مدت زمان بسیار کوتاهی برای کشور رقم بخورد؛ با عضویت ایران در سازمان مذکور به نوعی می توان امیدوار بود از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بالاخص ارتقای سطح جهانی تجارت ایران در بلندمدت، منافع بسیاری نصیب ایران شده و بدین ترتیب موضوعی اجتناب ناپذیر به شمار می آید.

آزادی تجارت، کاستن تعرفه ها و کنار گذاشتن و حذف موانع غیر تعرفه ای، جزو مقاصد و اصول سازمان جهانی تجارت تلقی می گردد. به همین علت اصول و قوانینی در سازمان مذکور مورد تدوین قرار گرفته که هر کشور متقاضی عضویت بایستی مقررات و قوانین داخلی آن را با همین قواعد تطابق دهد. قانون و مقررات صادرات و واردات از جمله قوانین و مقررات داخلی ایران است که اهمیت بسیاری در خصوص تجارت جهانی داشته و به مطابقت با قوانین و مقررات سازمان جهانی تجارت نیاز مبرم دارد. به جهت تسریع در فرایند جهانی شدن و به کارگیری منافع جهانی شدن، کشورها در پی رشد و توسعه ی سازمان جهانی تجارت هستند و ایران بعد از سال ها بررسی، مشاوره، تحقیق و ارزیابی آثار منفی و مثبت، تقاضای عضویت در این سازمان را در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶ به این نهاد ارسال نمود.

با این حال به دلایلی درخواست ایران مبنی بر عضویت در سازمان جهانی تجارت، مورد پذیرش قرار نگرفته و پذیرش آن فقط در حد عضو ناظر، مورد قبول واقع گردیده است. راهیابی به این سازمان اقتصاد کشورها را به جهت رقابت در عرصه جهانی و پیشرفت در زمینه تجارت بین المللی مهیا می سازد. نتیجه اینکه تجارت آزاد که امروزه از اصول مهم سازمان مذکور به شمار می آید، بر مبنای قواعد و معیارهای جهانی مورد تنظیم قرار گرفته و در مقام رفع نیازهای خود و سایرین، زمینه های ارتقا و پیشرفت کشورها را فراهم می سازد و البته الحاق به آن، به این معنا نیست که کلیه شروط و الزامات مشخص شده از جانب سازمان فوراً قابل اجرا باشد.

لذا جهانی شدن تحت عنوان یک روند رو به جلو و غیر قابل اجتناب مطرح بوده و رقابت بسیار نزدیک در عرصه انرژی و بالاخص نفت و گاز که از نتایج جهانی شدن اقتصاد تلقی می گردد منتج به تجدید سلسله



ساختار در صنایع نفت و گاز شده است که خود دربرگیرنده خصوصی سازی، ادغامها، تغییر قوانین، تجدید سلسله ساختار سازمانی و اداری شرکت های مربوطه و غیره می باشد. قاعدتاً رقابت در بخش نفت و گاز در فرایند جهانی شدن، هم شدیدتر و هم سخت تر از سایر حوزه ها می باشد. بدین ترتیب دولت ها و سرمایه گذاران در خصوص انرژی بایستی از نیروهای بسیار عمده ای که موجب بروز این تغییرات می گردند مطلع شده و آگاهی پیدا کنند.

۲- شناخت سازمان و فرایند عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت در مقایسه با دیگر سازمان های بین المللی، سازمانی جدید التاسیس محسوب می شود که در واقع برآمده از موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) می باشد. عضویت در سازمان جهانی تجارت فرایندی طولانی و پیچیده داشته و با عضویت در سایر سازمان های بین المللی به طور کامل تفاوت دارد. الحاق و یا پیوستن به سازمان مذکور در کل شامل طی کردن روندی از مذاکرات می باشد. به این مفهوم که کشور متقاضی عضویت در این سازمان طی انجام مراحل متعدد زمان گیر و در قالب مذاکرات دوجانبه و یا چندجانبه بایستی برای مشخص کردن شرایط عضویت با گروه کاری به توافق برسد و چنین نیست که الزامات استاندارد وجود داشته باشد و با رعایت این استانداردها، هر کشوری به صورت خودکار به عضویت این سازمان در آید.

ماده ۱۲ موافقت نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت که به نحوه پیوستن کشورها به سازمان اشاره دارد؛ این چنین تدوین گردیده است که پیوستن هر کشور به سازمان جهانی تجارت بایستی بر مبنای شروط مورد توافق بین دولت متقاضی و سازمان انجام پذیرد. شروط مورد توافق نیز اموری تلقی می گردند که در طول مذاکرات آشکار می گردد و تا پیش از انجام دادن مذاکرات و تنظیم کردن پروتکل، در زمینه پیوستن کشور مربوطه و معین کردن تعهدات هر کشور در بستر و زمینه گشایش بازار کار و خدمات خود به روی دیگر اعضا، توافقی انجام نمی پذیرد. تقاضای پیوستن و الحاق کشور ما تا نزدیک به ۵ سال بعد در دستور کار جلسات شورای عمومی واقع نشد. اما بعد از اقدامات دیپلماتیک دولت و رایزنی با کشورهای مختلف و اعمال فشار آنها بر سازمان جهانی تجارت در نهایت نشست شورای عمومی در سال ۱۳۸۰ برای نخستین بار بررسی تقاضای الحاق کشورمان را در دستور کار خود قرار داد. در نشست مذکور بعد از طرح



موضوع به واسطه رئیس جلسه شورای عمومی، نماینده کشور ایالات متحده آمریکا بیان نمود که: دولتش در حال حاضر مشغول به بررسی داخلی موضوع مورد بحث می‌باشد و اکنون در شرایطی قرار ندارد که در خصوص تقاضای الحاق کشور ایران بحث نماید. اظهارات نمایندگی کشور آمریکا در ۲۲ نشست دیگر شورای عمومی در طول سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۳ هم مورد تکرار قرار گرفت و مانع از کسب اجماع بر سر تشکیل گروه کاری الحاق کشور ما و آغاز مذاکرات الحاق شد. لیکن با پشتیبانی و حمایت گسترده اعضای سازمان بالاخص گروه کشورهای در حال توسعه کماکان تقاضای الحاق ایران در دستور کار جلسات شورای عمومی باقی ماند.

در نهایت بیست و سومین نشست شورای عمومی در راستای بررسی درخواست و تقاضای پیوستن و الحاق کشور ما در سال ۱۳۸۴ تشکیل گردید و کشور ما به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت درآمده و روند عضویت کامل این سازمان را شروع نمود. لذا به این ترتیب بعد از یک دهه وقفه کشور ما به صورت عضو ناظر به این سازمان ملحق گردید اما هنوز بعنوان عضو اصلی پذیرفته نشده است.

۳- جایگاه نفت در مناسبات تجارت جهانی

در طول سالیان متمادی فرض بر این بود که نفت از حوزه مذاکرات گات خارج است ولیکن در هیچ بند و یا ماده‌ای از توافق‌نامه‌های گات و WTO به این موضوع اشاره نگردیده که نفت و فرآورده‌های نفتی مستثنا از قانون و مقررات تجارت آزاد جهانی می‌باشند؛ اگرچه نفت در هیچ کدام از دوره‌های مذاکرات گات به صورت مستقیم موضوع بحث نبوده است، لیکن موضوعات بسیاری که رابطه‌ای نزدیک با نفت و فرآورده‌های نفتی و منافع کشورهای صادر کننده نفت دارند در مذاکرات گات مطرح گردیده و مذاکره شده‌اند.

علاوه بر حوزه نفت در سایر حوزه‌ها نیز می‌توان از عضویت در سازمان جهانی تجارت بهره گرفت و تاثیر آن را بر آزادی تجارت، کاستن تعرفه‌ها و حذف موانع غیر تعرفه‌ای و به صورت کلی تر بر اقتصاد کشور و سطح رفاه جامعه ملاحظه نمود. از طرفی الحاق ایران به این سازمان می‌تواند همراه با رعایت الزامات قانونی و تغییر قوانین داخلی باشد.



۴- الزامات حقوقی ایران در فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت

در شرایطی که کشور ما بخواهد عضو سازمان جهانی تجارت شود بایستی معاهدات بین‌المللی بسیار فراوانی را قبول کرده و همچنین تعدیلات بسیار زیادی را هم در قانون و مقررات داخلی خود صورت دهد. در ادامه به ذکر این معاهدات و مصادیق تعدیلاتی که بایستی کشور متقاضی به عضویت در همین سازمان انجام بدهد، پرداخته می‌شود. قطعاً معاهدات مذکور با در نظر گرفتن نقاط اشتراک و افتراق مفاد آنها با قوانین، رویه‌ها و سیاست‌های صنعتی در کشور ما، در صورت عضویت احتمالی در سازمان جهانی تجارت، تعدیلات فراوانی بایستی در بخش‌های متعدد مربوط به صنعت کشور انجام پذیرد. لذا در ادامه به بررسی و مرور این موضوعات پرداخته می‌شود.

۴-۱- قانون اساسی

یکی از مغایرت‌های ابتدایی مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت با نظام اقتصادی کشور ما که باید مورد بررسی قرار گرفته و در صورتی که ایران بخواهد به عضویت این سازمان درآید باید تغییر دهد در اصل ۴۴ پنهان شده است. بر مبنای این اصل بازرگانی خارجی دولتی می‌باشد. یکی از اهداف گات و سازمان جهانی تجارت هرچه کمرنگ‌تر کردن نقش دولت در تجارت کالاهای اساسی و نیز هدایت اقتصاد غیر دولتی تلقی می‌گردد. اصل ۴۴ قانون اساسی موارد ذیل را در دسترس دولت قرار داده است: صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه‌آهن و کشتیرانی و هواپیمایی و معادن بزرگ، سدها و ارتباطات. با وجود این عملاً اصل مذکور مورد رعایت قرار نمی‌گیرد و بخش‌های خصوصی و شبه خصوصی درگیر فعالیت‌های بازرگانی خارجی هستند. در صورتی که بر اساس اصل ۱۶ اصول و ضوابط گات در رابطه با دسترسی به بازار، اصل آزادسازی تجاری در دسته اصول حاکم بر گات بوده که در رابطه با ملحق شدن کشورها به سازمان جهانی تجارت مد نظر واقع می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۴: ۹۲).

چنین معضلی با در نظر گرفتن مصوبه رهبری به عنوان سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تا حد و حدودی، برطرف گردیده است. لذا در مصوبه مذکور، زمینه‌های ضروری در راستای برقراری بسترهای فعالیت آزاد بخش خصوصی ارائه گردیده است. از مصادیق حائز اهمیت به جهت پیوستن کشور ما به سازمان جهانی تجارت، اصل ۸۱ قانون اساسی تلقی می‌گردد. مطابق با اصل مذکور، اعطای امتیاز



تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به طرف خارجی، به صورت مطلق، امری ممنوع اعلام گردیده است (حقی، ۱۳۹۹: ۷۷).

بر مبنای موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت تمامی اعضا قادر خواهند بود نسبت به ارائه خدمات مربوط به مصادیق مذکور در دیگر جوامع عضو مبادرت ورزند و همچنین این مسئله با مفاد اصل مزبور، در تعارض است. با وجود آنکه بر مبنای تفسیر شورای نگهبان قانون اساسی شرکت‌های خارجی که با نهاد و دستگاه‌های دولتی کشور ما قرارداد قانونی منعقد ساخته‌اند خواهند توانست در راستای انجام دادن آن دسته از امور قانونی و حتی فعالیت‌هایشان در چهارچوب قراردادهای منعقد شده بر مبنای ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها، به ثبت شعبشان در کشور ما اقدام ورزند و نیز این مسئله، با اصل ۸۱ قانون اساسی ایران، دارای مغایرت نیست (حقی، ۱۳۹۹: ۹۸).

لازم به بیان است که بر اساس رویه‌ای که اعضاء گات، به جهت مذاکره در این خصوص، مد نظر قرار دادند، جوامع مذاکره کننده قادر می‌باشند رشته‌های خدماتی ویژه‌ای را که نیاز دارند و به حمایت داخلی وابسته هستند در دسته مذاکره، قرار ندهند و این در حالی است که مجاز نیستند کلیه رشته‌های خدماتی مد نظر را از مذاکرات خارج نمایند. قاعدتاً با در نظر گرفتن مسئله مورد بحث به نوعی می‌توان رشته‌های خدماتی ویژه‌ای را که دارای حساسیت بسیار بالایی هستند مشمول مذاکرات در نظر نگرفت. لازم به ذکر است که از نظر قانونی در راستای ایجاد شرکت سهامی سرمایه‌گذاری خارجی تا حد ۴۹ درصد از سهام منع قانونی وجود نداشته اما تفسیر آن، از جمله تکالیف شورای نگهبان تلقی می‌گردد (رشیدی، ۱۳۹۴: ۹۲).

از طرفی نیز در قوانین سازمان جهانی تجارت آورده شده است که: هر کشور عضو در سازمان جهانی تجارت قادر خواهد بود در سایر جوامع سازمان، مشروط به آنکه کشور مربوطه اجازه دهد امتیاز تاسیس شرکت را دارا باشد و این نیز مغایر با قانون اساسی ما بوده و در صورت پیوستن بایستی مد نظر واقع شود. لذا بند دوم ماده ۱۶ موافقت‌نامه عمومی خدمات گات در خصوص دسترسی پیدا کردن به بازار در رابطه با تجارت خدمات ضمن درج شروطی در رابطه با دسترسی به بازار اذعان داشته است که من جمله اقداماتی که یک عضو نبایستی به انجام رساند، ایجاد محدودیت در رابطه با شرکت سرمایه‌گذاری خارجی



از نظر حداکثر درصد سهام خارجی و یا بر حسب کل ارزش هر کدام و یا مجموعه سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. باید بیان نمود که ماده ۴۵ قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی اذعان داشته است که ماده ۴۵ قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی اذعان داشته است که صاحب سرمایه مجاز بوده هر سال سود ویژه به دست آمده از به کار انداختن سرمایه‌اش را در کشور ما، تا میزانی که در آیین نامه در نظر گرفته شده است به همان ارزی که سرمایه‌اش را وارد و یا در نظر گرفته از کشور ایران خارج نماید (الیاسی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی اعلام داشته است که: بانک‌های خارجی و یا شعب آنها که بر مبنای قوانین مرتبط با کشور ایران ایجاد می‌گردند از مزایای قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی و این آیین نامه تا حد و اندازه‌ای که با قوانین و موازین قانون بانکداری و آیین نامه‌های آن تباین نداشته باشند، برخوردار هستند، با وجود آن اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی فعالیت بانک‌های خارجی را ممنوع داشته است (فتحی، ۱۳۹۱: ۷۹).

همچنین بنده ماده ۳۱، قانون پولی و بانکی کشور مقرر نموده است که: تأسیس بانک‌های خارجی و نیز موسسات اعتباری غیر بانکی خارجی را با تصویب مجلس، امری ممکن در نظر گرفته است. بنده ماده ۳۱ هر بانکی را که بیشتر از ۴۰ درصد سرمایه آن به اشخاص حقیقی اتباع خارجی و یا حقوقی خارجی تعلق داشته باشد، بانک خارجی در نظر می‌گیرد که ثبت آن بایستی به عنوان بانک خارجی صورت پذیرد (الیاسی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

۴-۲- قوانین ناظر بر صادرات و واردات

در طول دهه‌های اخیر تحولات بسیار مهمی در سیستم تجاری کشور ایران به وقوع پیوسته است. قانون و ضوابط صادرات و واردات به طور کامل تغییر پیدا نمود و مالیات‌های وارداتی به صورت یکپارچه گشت و همچنین گرایش سیاست‌های تجاری به سمت و سوی آزادسازی بود. افزون بر آن نرخ‌های متنوع و گوناگون ارز که من جمله موانع مهم صادرات هستند به صورت یکپارچه و یکسان شد (فتحی، ۱۳۹۱: ۹۸). یارانه‌های بسیاری تغییر پیدا نمودند اما باز به اصلاحات زیادی در این خصوص نیاز است.



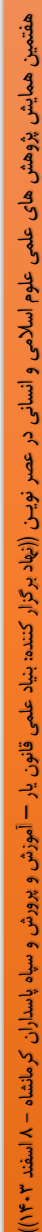
در راستای بررسی تطبیقی قانون و مقررات تجاری کشور ما با توافق‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت در نظر گرفتن اصول کلی اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامل الوداد "MFN" و نیز کاهش تعرفه‌های گمرکی و تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه و منع به کارگیری محدودیت‌های کمی، از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار هستند (کمیحانی، ۱۳۹۴: ۹۸).

۴-۳- قوانین و مقررات گمرکی

بر مبنای اصل دول کامل الوداد؛ آن کشوری که به سازمان جهانی تجارت بپیوندد، بایستی با کلیه اعضا ارتباطات بازرگانی یکنواخت و حتی بدون تبعیض ایجاد کند. اصل فوق "ماده ۱ موافقت‌نامه عمومی" هیچ گونه مغایرتی با قوانین تجاری جمهوری اسلامی ندارد بلکه حتی با ماده ۶ قانون گمرکی ایران مصوب ۱۳۵۰ مجلس شورای ملی دارای هماهنگی است.

بر مبنای ماده ۶ قانون امور گمرکی هر زمان ضمن موافقت‌نامه‌های بازرگانی با دولت یا کشورهای بیگانه برای کالای مشخصی؛ حقوق گمرکی به مأخذی غیر از آنچه که در جدول ضمیمه قانون مقرر بوده معین و مشخص نگردد، تا زمانی که موافقت‌نامه‌های مذکور، باقی باشند حقوق گمرکی همان کالا بر اساس مأخذ معین گردیده در موافقت‌نامه‌ها و با رعایت شروط مقرر شده در آنها اخذ می‌شود مگر آنکه در تعرفه این قانون حقوق گمرکی کمتری به آن تعلق بگیرد و یا آنکه از حقوق گمرکی بخشوده شده باشد.

به عنوان نمونه اگر که جمهوری اسلامی ایران کاهش تعرفه گمرکی در رابطه با کالا و یا کالاهای خاصی را با کشور مشخصی مورد قبول قرار داد بایستی این امتیاز را بدون هیچ قید و شرطی به دیگر جوامع عضو هم بدهد. با وجود آنکه بر اساس ماده ۳۵ موافقت‌نامه عمومی طرفین متعاقد قادر خواهند بود - از دادن امتیازات تعرفه‌ای به کشورهایی که به آنها مذاکرات تعرفه ای ندارند ممانعت ورزند. لذا ماده ۵ - ۷ - ۸ که در رابطه با آزادی ترانزیت شرایط ورود و صدور کالا و روش‌های مورد نظر در ارزیابی گمرکی بوده و در پاره‌ای، این مصادیق با مواد ۱۷۲ و ۱۹۲ آیین نامه ارزیابی گمرکی کشور منطبق نبوده است.



۴-۴-قوانین و مقررات ارزی

به دلیل آنکه صادر کنندگان از نرخ‌های ارز ترجیحی به جهت وارد شدن اقلام مورد نیاز استفاده می‌نمودند و کالای صادراتی‌شان را با نرخ شناور به فروش می‌رساندند؛ در صورتی که این موضوع، با مسئله یکسان سازی نرخ ارز در سال ۸۱ متوقف گشت و مغایرت میان توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت با قانون و مقررات ارزی تجاری جمهوری اسلامی ایران از این نظر برطرف شد اما سهمیه‌بندی ارزی



تاکنون موضوعی قابل مطرح شدن می‌باشد اگرچه بالا بردن درآمد ارزی در سال‌های گذشته اهمیت موضوع مذکور را مورد نقصان قرار داده است (شهبازی، ۱۳۹۸: ۱۷).

۵- ضرورت‌های الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت

مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت که همان پاسخ به چرایی الحاق ایران به این سازمان می‌باشد را می‌توان در دو بخش کلان (نظیر بهبود وضعیت تجارت و اقتصاد کشور و ارتقای سطح معیشت و رفاه مردم و ...) و خرد بررسی نمود؛ که در پژوهش حاضر به مبانی و مصادیق خرد این الحاق پرداخته خواهد شد.

۵-۱- امتیازات خاص

یکی از مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، امتیازات خاص است. بدون تردید الحاق به سازمان جهانی تجارت واجد یک سری پیامدها برای کشوری که عضو آن شده، است. قطعاً اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بعد از ملحق شدن و مورد قبول قرار دادن قوانین و اصول آن، با یک سری تغییرات روبرو می‌شود (اکبریان، ۱۳۹۱: ۵۴). اعضای هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران مشخص می‌سازند بعد از عضویت ایران در WTO در مدت کوتاه سهم تولید کنندگان ایرانی از بازار داخلی تا چه حد و حدودی کاهش پیدا کرده ولیکن در مدت زمان زیاد سهم بازار داخلی آنها افزایش یابد (الیاسی، ۱۳۹۰: ۷۹).

من جمله علل مهم کاهش سهم بازار داخلی تولید کنندگان در مدت زمان کوتاه آنکه مدتی به طول می‌انجامد تا تولید کنندگان ایرانی قادر باشند فناوری و شیوه‌های تولیدی‌شان را به روز کرده و کالا و خدمات‌شان را با کیفیت و قیمتی رقابتی عرضه کنند. باید بیان نمود که سعی و کوشش دولت در راستای مهیا ساختن زیرساخت‌های مناسب و کارآمد در حوزه تولید و حوزه‌های مربوط به آن نقش حائز اهمیتی در بالا بردن رقابت پذیری صنایع داخلی ایران دارد (رشیدی، ۱۳۹۴: ۸۷).

یکی از اهداف مهم از ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت، رشد و توسعه اقتصادی ایران می‌باشد. تبدیل شدن به کشوری توسعه یافته با جایگاه نخست اقتصادی در سطح منطقه تا سال ۱۴۰۴، همانگونه



که سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران مشخص می کند نیازمند طی یک مسیر سخت و وجود پیش شرطهای مهمی است (الیاسی، ۱۳۹۰: ۷۹).

من جمله پیش شرطهای مذکور، هدایت و نیز جذب بخشی از سرمایه دیگر کشورها به درون کشور ایران می باشد. لذا نمایندگان بخش خصوصی اعتقاد دارند که بعد از ملحق شدن کشور ما به سازمان جهانی تجارت، حجم سرمایه گذاری خارجی در زمان بسیار کوتاه و نیز در بلند مدت افزایش پیدا می کند که افزایش مذکور در مدت زمان بلند حتمی است.

۵-۲- بالا بردن رقابت پذیری و بهره‌وری

آزادسازی تدریجی به علت ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت موجب بالا رفتن مواجهه تولید کنندگان داخلی با رقبای خارجی می گردد و آنها را به سمت افزایش کیفیت محصولات و کاهش هزینه های تولید می کشاند.

۵-۳- دسترسی به بازار و امکان پیگیری علایق

در صورت عضو نشدن اعضای سازمان جهانی تجارت به هر علتی من جمله موضوعات سیاسی متغیر قادرند دسترسی کشورهای غیر عضو را به بازارهایشان محدود سازند. لذا عضو شدن در سازمان جهانی تجارت تا حدودی از این مسئله ممانعت می ورزد و اعضا جز در شرایط خاص و ویژه نظیر استثنائات فوق در موافقت نامه های همین سازمان و تعهداتش در چهارچوب آن تخطی نمایند و تخطی آنها به واسطه ساز و کار حل اختلافات همین سازمان قابل پیگیری است. برخلاف مذاکرات الحاق که در آن تعهدات اعضای سازمان جهانی تجارت از پیش آشکار و مشخص می باشد و کشور متقاضی الحاق بایستی به خواسته های اعضای فوق بپردازد این کشور بعد از ملحق شدن قادر خواهد بود خواسته هایش را در رابطه با دسترسی به بازار در مذاکرات همین سازمان مطرح کند (صلاحی و شکر الهی، ۱۳۹۶: ۱۶۶).



۵-۴- توانمندی در پیشبرد اصلاحات داخلی

کاملاً آشکار بوده که گروه‌های متعدد با منافع و علایق گروهی خاصشان در تلاشند در مشخص ساختن سیاست تجاری کشورها هم نظیر دیگر حوزه‌های سیاست گذاری اعمال نفوذ نموده یا در برابر سیاست‌های مغایر با منافعشان مقاومت نمایند (جوادی ارجمند، ۱۳۹۶: ۴۳). لذا پیوستن به سازمان جهانی و تجارت و سپردن تعهد خارجی برای اصلاحات کشور ملحق شده را تا حد و اندازه در شرایط اجباری قرار داده که میدان را برای طرف مخالف اصلاحات تنگ‌تر کرده و اجرای اصلاحات مغایر با منافع گروهی را سهل‌تر می‌سازد (بزرگی، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

به این شکل الحاق یک کشور به وزن و جایگاه همان کشور وابستگی دارد و می‌تواند به دگرگونی وسیعی در جریان‌های بین‌المللی تجارت و سرمایه‌گذاری ختم شود. در مقایسه با آثار مثبت عضو شدن در همین سازمان ملحق نشدن به این سازمان هزینه بسیار سنگینی نظیر عدم حضور در تصمیم‌گیری جهانی و محرومیت از بازارها و حاشیه‌نشینی را شامل می‌شود که پذیرفتن مخاطرات احتمالی الحاق را امری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (بزرگی، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

۵-۵- منافع عمومی حاصل از عضویت

بعضی از اصلی‌ترین محورهایی که موافقین ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت در استدلال‌هایشان بر آن تاکید بسیار می‌نمایند، موارد ذیل است: برخورداری از فرصت‌های جهانی، جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی به کشور، وارد شدن کشور به عرصه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی جهان و ...



در ذیل به بررسی مصادیق فوق - فرصت و یا تهدید بودن آنها برای اقتصاد - فرهنگ - سیاست کشور پرداخته می‌شود:

۵-۵-۱- انتقال تکنولوژی

تعامل با دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی و شرکت در طرح و مناقشه‌های مشترک بین‌الملل و نیز کنار گذاشتن محدودیت‌های ارتباطی با جهان خارج - سبب کسب و انتقال تجربه‌های سایرین به درون کشور و در نتیجه دسترسی کشور به فناوری نوین است (شیروی، ۱۳۹۸: ۹۸).

۵-۵-۲- مشارکت در تصمیم سازی در عرصه اقتصاد جهانی

با وجود آنکه سازمان جهانی تجارت بر مبنای اصل یک کشور یک رای استوار بوده است اما حقیقت آنکه جوامع بزرگ و پیشرفته قدرت‌های مسلط بر این سازمان تلقی می‌گردند و اثر قاطعی بر تصمیم گیری‌های آن داشته‌اند. بر اساس موافقتنامه همین سازمان پاره‌ای مذاکرات فقط میان بزرگترین تولید کننده و خریدار هر کالا انجام شده است و در نهایت قاعدتاً دربرگیرنده حامل دیگر کشورها هم می‌گردد (فیروزی، ۱۳۹۴: ۹۴).

۵-۵-۳- تامین الزامات کشورهای نفت خیز

بر مبنای موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت کشورها بایستی تعرفه‌ها رابه مرور زمان کنار بگذارند (شیروی، ۱۳۹۸: ۷۰). لذا، من جمله معضلاتی که کشور ما و کشورهای نفت خیز با آن روبرو هستند آنکه امروزه نفت از موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت بیرون آمده و موافقت‌نامه‌های مذکور، دربرگیرنده‌ی فرآورده‌های نفتی نمی‌گردد. از این رو ورود کالاهای صادراتی کشورهای عضو WTO به کشور ما مشمول حذف تعرفه گردیده است لیکن واردات نفتی جوامع دیگر از ایران، مشمول حذف و یا کاهش تعرفه نمی‌گردد (اکبریان، ۱۳۹۱: ۲۵).



با در نظر گرفتن آنکه نفت بخش عمده‌ای از صادرات ایران را ایجاد می‌سازد این مسئله به ضرر این کشور است. همچنین تعرفه‌های اعمال گردیده بر کالاهای صادراتی کشورمان ایران، موجب می‌گردد تا کالاهای ایرانی توان رقابت با سایر کالاهای کشورها را نداشته باشد. (اکبریان، ۱۳۹۱: ۳۶).

۵-۵-۴-بستر سازی و تعمیم دموکراسی

از دیدگاه موسسان و طرفداران سازمان جهانی تجارت، تبادل آزاد کالا و خدمات در جهان، به این مصادیق وابسته است (اکبریان، ۱۳۹۱: ۲۹): افزایش رشد اقتصادی ملل، ارتقای سطح زندگی عموم مردم، ترویج دموکراسی و ایجاد صلح و ثبات.

۵-۵-۵-تقویت موازنه و مبادله فرهنگی

از آنجایی که سازمان جهانی تجارت در سلسله ساختار اقتصاد جهانی بوده که به سمت همگونی در حرکت است قطعاً تأثیرات فرهنگی خود را نشان می‌دهد. هیچ کشوری قادر نیست به شکل آزادانه با نظام اقتصاد جهانی در تعامل باشد در صورتی که حوزه‌های سیاسی - فرهنگی‌اش را جدا نموده است. به بیانی دقیق‌تر چنانچه تصور شود که می‌توان در نظام بین‌الملل به نوعی و در حوزه فرهنگ و سیاست به شکل دیگر عمل نماید اشتباه بسیار بزرگی می‌کند. هرچند رفتار کشورها در رابطه با هر کدام از حوزه‌های مذکور به صورت برابر و یکسان نبوده به ویژه چارچوب فرهنگ که کشورها در آن حوزه، تفاوت‌های بسیاری با هم داشته‌اند (اکبریان، ۱۳۹۱: ۸۵).

۵-۶-بهره گیری از استانداردهای بین المللی

در حال حاضر جهانی شدن اقتصاد به مفهوم ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد؛ به این علت اکثر جوامع، تقاضای پیوستن به سازمان مذکور را دارند. تجربه سایر کشورها نشانگر آن بوده که آزادسازی تجاری، نقش حائز اهمیتی در ایجاد ثروت و پیشبرد توسعه اقتصادی کشورها داشته است. در مجموع تجارت جهانی بیشتر از ۹۰ درصد آن در اختیار و پیرو اصول و قوانین سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد و اعضای سازمان مذکور هم با کشورهای WTO اعضای غیر عضو حاضر نبوده در سطحی پایین‌تر از این اصول و قوانین، رابطه‌ی تجاری دارند (بزرگی و موسوی دهموردی، ۱۳۹۵: ۶).



تجارت آزاد میان کشورها به بالا رفتن رقابت منتج گردیده است و این بالا رفتن رقابت، نوآوری و استفاده بهتر از عوامل تولید را به همراه دارد. لذا وجود رقابت موجب سوق پیدا کردن تجارت به سمت نوآوری - ابتکار - بهبود فرایندها - ایجاد تکنولوژی‌های نوین و در مجموع، موجب پیشرفت علم می‌شود. هرچند انتقاداتی به آزادسازی تجاری و به شکل خاص به عضو شدن در سازمان جهانی تجارت و پیروی از اصول و قوانین آن آورده شده ولیکن این چنین به نظر می‌آید که آزادسازی تجاری چه از لحاظ تعداد چه از لحاظ ادله در WTO موافقین الحاق به موقعیت قوی‌تر بوده‌اند (سنائی، ۱۳۹۳: ۷۶).

عضو شدن ۱۵۰ کشور و منطقه تجاری در سازمان مذکور و وجود ۲۹ کشور متقاضی الحاق به نوعی می‌تواند نشانگر درستی برای چنین ادعایی باشد. نتایج به دست آمده از نظرسنجی از اعضای هیات نمایندگان اتاق ایران هم بیانگر ادعای مذکور بوده و نشانگر آن بوده که نمایندگان بخش خصوصی ایران با عضویت کشور در سازمان جهانی تجارت به میزان زیادی موافق بوده‌اند (زیرک، ۱۳۹۴: ۸۵). بنابراین با بررسی و مطالعه عملکرد و هدف‌های سازمانی جهانی و تجارت، بخشی از آثار مثبت الحاق، آشکار گردیده که پیامدهای مذکور سبب قانونمندی - پیش بینی پذیری - ثبات - شفافیت در ارتباطات و فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در خارج و داخل - تسهیل جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و منتقل کردن فناوری و برقراری اشتغال و از میان برداشتن حمایت‌های اقتصادی و رانت‌ها و ایجاد یک محیط رقابتی و آمادگی به جهت رقابت در بازار جهانی - دسترسی مصرف کننده به کالای مرغوب و ارزان‌تر - شرکت در تصمیم‌گیری‌های جهان در خصوص اصول و قوانین تجاری - دسترسی به یک ساز و کار حل اختلاف مطمئن و مناسب در راستای رسیدگی به تخلف دیگر کشورها از تعهدات خود می‌گردد (زیرک، ۱۳۹۴: ۹۲).

۶- الزامات حقوقی حاکم بر قرارداد های جدید نفتی ایران در تقابل با مقررات سازمان جهانی تجارت

با در نظر گرفتن ضوابط و مقررات موجود اعم از مصوبات مجلس شورای اسلامی و تصویب نامه های هیات وزیران اصول قراردادهای جدید نفتی ایران را که گاه در تعارض و تقابل با ضوابط سازمان جهانی تجارت می باشد، می توان در عناوین ذیل بررسی نمود:



۶-۱- ضرورت حفظ حاکمیت و حقوق مالکانه دولت

حفظ حاکمیت و مالکیت دولتی و عمومی همیشه در دسته خطوط قرمز سنتی صنعت نفت کشور ما بالاخص در سال‌های بعد از به پیروزی رسیدن انقلاب می‌باشد. بنابراین چه در الگوی قراردادی سابق "بیع متقابل" چه در قراردادهای جدید - تاکید بر حاکمیت و مالکیت صراحتاً بیان گردیده است. در حوزه‌های نفت و گاز حاکمیت به ساده‌ترین معنی عبارت می‌باشد از: قدرت و اختیارات و طبیعتاً حق اعطا یا عدم اعطای امکان دسترسی به زمین و منابع هیدروکربوری موجود در آن (موحد، ۱۳۹۳: ۸۹). این حق به صورت برخورداری شدن از حق تعیین مالیات - نظارت - حفظ نظم و مصادره اموال مورد تعریف قرار می‌گیرد و همچنین ارتباط معناداری با امکان کنترل اعمال و اقدامات پیمانکار داشته است. در حقیقت یکی از مهمترین انگیزه‌های کشورهای نفت‌خیز در به کارگیری از قالب قراردادی خدمت به جهت انجام دادن عملیات حفظ حاکمیت می‌باشد (شیروی، ۱۳۹۳: ۹۰). بدیهی ست که این وضعیت آزادی تجارت را در قراردادهای نفتی تحدید نموده و امکان بهره‌گیری از مزیت‌های عضویت در سازمان جهانی تجارت را به حداقل می‌رساند.

۶-۲- بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد پیمانکاران از محل درآمد حاصل از اجرای پروژه

در الگوی قراردادی مذکور منبعی به غیر از درآمدها و عایدات به دست آمده از توسعه و در نتیجه تولید و بهره‌برداری از میدان به جهت بازپرداخت هزینه و دستمزد پیمانکار مد نظر قرار نمی‌گیرد. و اما در خصوص آنکه چه درصدی از درآمد میدان به بازپرداخت مطالبات پیمانکار تعلق می‌گیرد در قراردادهای خدماتی سابق "بیع متقابل" مقرر خاصی موجود نیست و در قراردادهای مختلف بیع متقابل درصدهای متفاوتی مد نظر قرار می‌گیرد که در حدود ۴۰ الی ۷۰ درصد است. هرچند در عمل درصدی از عایدات میدان که برای بازپرداخت هزینه‌ها قرار می‌گیرد همیشه کمتر از میزان مذکور بود؛ چیزی میان ۱۰ درصد الی ۳۰ درصد (شیروی، ۱۳۹۳: ۸۷).

در الگوی قراردادی جدید این مسئله به شکل شفاف در سقف ۵۰ درصد به تصویب رسیده است. به این مفهوم که تمامی هزینه‌های مستقیم - غیر مستقیم - هزینه‌های تامین مالی و پرداخت دستمزد و هزینه‌های بهره‌برداری به واسطه تخصیص حداکثر ۵۰ درصد از محصولات میدانیا عواید حاصل از اجرای

قرارداد بر اساس قیمت روز فروش محصول مستهلک می‌گردد "بند پ ماده ۳ و بند پ ماده ۶ تصویب‌نامه هیات وزیران". بدین سان این امکان است تا بازپرداخت‌ها به واسطه پرداخت نقدی تخصیص تا ۵۰ درصد هیدروکربن تولیدی میدان بر مبنای قیمت روز به پیمانکار پرداخته شود(موحد، ۱۳۹۳: ۵۶).

۶-۳- تعیین نرخ بازگشت سرمایه و دستمزد

در قراردادهای بیع متقابل بحث از نرخ بازگشت سرمایه بود که با مد نظر قرار دادن شرایط هر میدان به عنوان نمونه ریسک اکتشافی یا عملیاتی در یک منطقه قراردادی خاص در خشکی و یا دریا بودن میدان و غیره به شکل درصدی از هزینه‌های سرمایه‌ای مشخص می‌گردید (شیروی، ۱۳۹۳: ۸۳).

لیکن در قراردادهای جدید بحث از دستمزد به میان آمده است. دستمزدی که بر مبنای میزان تولید اضافی صورت پذیرفته شده به واسطه پیمانکار مشخص می‌شود. به توضیحی دقیق‌تر در قراردادهای بیع متقابل، دستمزد پیمانکار، ارتباط کاملاً ارتباط مستقیم با میزان هزینه‌های سرمایه‌ای پروژه دارد و اما در قراردادهای جدید ارتباط میان دستمزد با میزان کار صورت پذیرفته شده یعنی تولید اضافی، مد نظر قرار می‌گیرد (موحد، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

۶-۴- برداشت صیانتی

بندهای ۱۴ و ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر دو اصل «افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور ... و توسعه ظرفیت‌های تولید ...» و «برداشت صیانتی از منابع» تأکید دارد. از این‌رو، قراردادهای نفتی به شرطی بهینه است که مبتنی بر این دو اصل باشد. برداشت صیانتی در دسته مفاهیم سخت و پیچیده صنعت نفت قرار گرفته است. در الگوی قراردادهای جدید نفتی حساسیت نسبت به برداشت صیانتی به شکل محرز و آشکاری بررسی گردیده است. در تصویب‌نامه مرتبط با الگوی قراردادهای جدید به شکل برجسته‌تر و مبسوط‌تری به موضوع صیانت پرداخته شده و به شکل معین و مشخص از اجرای طرح‌های بهبود یا افزایش ضریب باز یافت بحث گردیده است (درخشان، ۱۳۹۹: ۳۲).



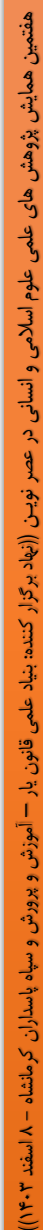
براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نفت یکی از مصادیق بارز انفال است. برداشت صیانتی از مخازن نفت مهم‌ترین معیار در بهره‌برداری از منابع نفتی است که تمامی مراحل اکتشاف، توصیف، توسعه و بهره‌برداری از یک میدان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌رغم گذشت بیش از صد سال از تولید نفت در ایران، به غیر از تعریفی که در قانون اصلاح قانون نفت سال ۱۳۶۶ از برداشت صیانتی شده است، هیچ قانون و مقررات و الزامات دیگری از سوی دولت در خصوص تولید صیانتی وجود ندارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به دلایل مختلف از جمله پیچیدگی‌های محاسبات فنی و اقتصادی، حجم سرمایه‌گذاری سنگین، تحصیل نتایج و عواید در بلندمدت، نااطمینانی‌های جدی در آثار برنامه‌های ازدیاد برداشت، عدم تقارن و تعارض اهداف طرفین قرارداد موجب می‌شود تا عوامل شکست بازار از قبیل صرفه‌های عظیم نسبت به مقیاس، اطلاعات نامتقارن و مشکلات ناشی از آن یعنی مخاطرات اخلاقی و انتخاب معکوس و نیز پیامدهای خارجی به نحو بارز و جدی در تحقق برنامه‌های برداشت صیانتی از میادین خود را نشان دهد. (نور احمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۳)

اعمال برداشت صیانتی مادامی که خللی در روابط تجاری در عرصه جهانی ایجاد ننماید می‌تواند در چهارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت مورد عمل یا بازنگری قرار گیرد.

۶-۵- ملاحظات زیست محیطی

از جمله موضوعات مورد تأکید در ضوابط و مقررات سازمان جهانی تجارت، ضرورت رعایت الزامات و ملاحظات زیست محیطی است. در متون قانونی مرتبط با اصول حاکم بر قراردادهای بیع متقابل - در خصوص ملاحظات زیست محیطی به شکل مختصر و مفید رعایت قوانین و ملاحظات زیست محیطی بیان شده است. اما در تصویب‌نامه مربوط به الگوی جدید قراردادهای نفتی به شکل مبسوط و موکد، به لزوم انجام دادن مطالعات ارزیابی زیست محیطی و رعایت کردن قوانین و ملاحظات ایمنی و زیست محیطی و بهداشتی و اجتماعی در اجرای طرح‌ها اشاره گردیده است (شیروی، ۱۳۹۳: ۸۷).

لازم به ذکر است که در این بند از الگوی جدید قراردادی، تأکید بر مطالعه، بررسی و ارزیابی‌های اجتماعی در خصوص اجرای طرح‌های بزرگ نفت و گاز مضاف بر انجام دادن مطالعات ارزیابی زیست محیطی و رعایت قوانین و ملاحظات ایمنی و بهداشتی می‌باشد. ذکر این مسئله در تصویب‌نامه هیات



٦-٦-تنظيم سطح توليد نفت

کشور ما من جمله کشورهای بسیار عمده تولید کننده نفت عضو سازمان اوپک به شمار می‌آید. وزارت نفت بر مبنای تعهدات بین‌المللی سیاست‌هایی که در خصوص بازارهای نفت و گاز امکان دارد اتخاذ کند بایستی قادر باشد در راستای تامین منافع کلان ملی هر راهکاری منجمله کاهش سطح تولید را عملیاتی سازد و هیچ قراردادی نبایستی در تعارض با منافع کلان و راهبردهای ملی وزارت نفت واقع شود. در کنار چنین ملاحظات - رعایت کردن کامل حقوق قراردادی پیمانکار، بالاخص پیمانکارانی که در یک ارتباط طولانی و به طور تقریبی برای طول دوره عمر میدان، به انعقاد قرارداد می‌پردازند - و اجرای پروژه را بر عهده می‌گیرند از ضروریات انکارناپذیر حرکت به سوی یک ارتباط متعادل و عادلانه قراردادی تلقی می‌گردد (شیری، ۱۳۹۳: ۸۹).

بنابراین در بند د ماده ۳ تصویب نامه هیات وزیران صراحتاً به این مسئله پرداخته شده که اگر که وزارت نفت تصمیم به کاهش سطح تولیدات توقف آن به هر علتی به جز علل فنی مرتبط با میدان داشته باشد در وهله نخست بایستی در تلاش باشد تا در راستای رعایت کردن حقوق پیمانکاران اعمال این گونه امور کاهشی از سطح تولید میدان هایی را انجام دهد که متعهد به بازپرداخت نبوده اند و نیز اگر این تصمیم در رابطه به میدان موضوع قرارداد گرفته شود بازپرداخت هزینه و دستمزد متعلق به پیمانکار متاثر نیست و پیمانکار به مطالبات قراردادی اش می رسد. این که مطالبات قراردادی پیمان کار که تصویب نامه هیات وزیران در بند د ماده ۳ صراحتاً آنرا برای پیمانکاران تضمین می کند چه مقدار بوده و یا تا چه مقدار می تواند بسط و گسترش پیدا کند - موضوعی بوده که در صورت بروز اختلاف بین شرکت ملی نفت



ایران "طرف نخست" و پیمان‌کاران خارجی "طرف دوم" - به نوعی می‌تواند پیامدهای حقوقی و قراردادی بسیار گسترده‌ای داشته باشد (درخشان، ۱۳۹۳: ۸۱).

۷- فرصت‌های ناشی از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در ارتباط با قراردادهای نفتی

بدون شک سازمان جهانی تجارت یکی از اصلی‌ترین سازمان‌های بین‌المللی تلقی می‌گردد که به نوعی می‌تواند تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر عملکرد اقتصاد جهانی داشته باشد. WTO نسبت به سلف خود گات جامع‌تر و پیچیده‌تر به شمار می‌آید لذا گات، با وجود ماهیت موقت آن و علی‌رغم خلاصه بودن مفاد قادر شد در دوره‌ی عمرش، با به کارگیری تجارت انباشته شده نزدیک به ۵ دهه، یک سیستم چند جانبه‌ی تجاری را ایجاد کند. بنابراین روند تکاملی گات، به نوعی می‌تواند در WTO هم تداوم پیدا کند (شیروی، ۱۳۹۸: ۸۱).

در حقیقت اکثر توافقی‌های به دست آمده در دور اروگوئه دربرگیرنده بندهایی بوده که مذاکره بر سر قوانین تکمیلی در خصوص یارانه‌ها - خدمات سرمایه‌گذاری - سیاست‌های رقابتی را در دوره‌های آینده مذاکرات مشخص نمودند. در طول سالیان بسیار زیاد فرض بر آن بود که نفت از حوزه مذاکرات گات، بیرون آمده است. اما در هیچ بند و یا ماده‌ای از توافق‌نامه‌های گات و WTO به این مسئله اشاره نگردیده که نفت و فراورده‌های نفتی مستثنی از قانون و مقررات تجارت آزاد جهانی می‌باشند (نصیریان، ۱۳۹۷: ۶۵).

اگرچه نفت در هیچ یک از دوره مذاکرات گات، به صورت مستقیم موضوع بحث به شمار نمی‌آید اما موضوع بسیاری رابطه نزدیکی با نفت و فراورده‌های آن و منافع جوامع صادرکننده نفت داشته در مذاکرات گات ارائه گردیده و تحت مذاکره واقع شدند. موضوعاتی همچون سیاست‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی - قیمت‌گذاری دوگانه - محدودیت‌های صادراتی - یارانه‌ها - قوانین ضد داپینگ و نظایر آن (فرح‌ساز، ۱۳۹۵: ۱۷۵).

از این بعد، ایران امکان دارد ملزم گردد به طریقی میان فشار بین‌المللی به جهت آزادسازی بخش نفت خود به روی رقبای خارجی و محقق شدن هدف‌های توسعه خود، راه حل مسالمت آمیزی را ایجاد نماید. از آنجایی که توافقنامه WTO الزامات گوناگون دیگری را در خصوص استفاده از منابع طبیعی تمامی کشورها تحمیل می‌سازند و قاعداً جوامع صادر کننده نفت را در بهره‌برداری از ذخایر طبیعی برای دستیابی به توسعه صنعتی - اقتصادی با محدودیت مواجه می‌نماید - قوانین مرتبط با پارانه‌ها و قوانین



ضد دامپینگ - محدود کننده اکثر سیاست‌های کشورهای صادر کننده نفت در راستای توسعه اقتصادی به شمار می‌آید (غیبی، ۱۳۹۵: ۴۴).

لذا توافق‌نامه‌های مذکور هنوز نیز واجد بندهایی بوده که عرضه انرژی به صنایع داخلی به قیمت‌های پایین‌تر از قیمت‌های جهانی را با رعایت شرایط مشخصی مجاز برشمرده ولیکن تامین شرایط مذکور برای کشورهای صادر کننده نفت آسان نبوده است. توافق‌نامه‌های وتو در حال حاضر به سمتی در حرکت هستند که در آینده دادن هر نوع یارانه‌ای به صنایع را در فرایند توسعه صنعت اقتصادی جوامع در حال توسعه ممنوع می‌نمایند (فرح سا، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

جوامع صادر کننده نفت که عضو وتو شده‌اند یا در آینده به آن می‌پیوندند بایستی نظر مذکور را قبول کرده و یارانه اعطایی در قالب مواد خام ارزان به صنایعشان را کنار گذاشته و شرایط رقابتی‌سازی را برای رقابت در بازارهای داخلی بین المللی برقرار سازند یا آنکه با تهدید جوامع عضو به اعمال عوارض جبرانی و اقدامات ضد دامپینگ مواجه گردند (غیبی، ۱۳۹۵: ۴۹).

لذا کاهش قدرت نفت در اثر تاثیر پذیری از فناوری موجب کاستن قدرت تصمیم‌گیری و تاثیر گذاری دارندگان منابع نفتی گردیده است. فناوری در مصرف نفت، کاهش سهم نفت در تولید را به دنبال دارد (شیروی، ۱۳۹۳: ۸۱). فناوری در تولید، کاهش قیمت تمام شده نفت را به دنبال دارد و در نهایت، فناوری در بازار به کاهش قدرت تاثیر گذاری صاحبین نفت، رسیده است.



۷-۱- غلبه بر عوامل مختل کننده تجارت بین المللی نفت

۲-۷-دسترسی به مکانیزم‌های حل اختلاف

سازمان جهانی تجارت شخصاً به پیگیری مصادیق تخلف کشورها از توافق‌نامه‌های همین سازمان مبادرت نمی‌ورزند بلکه کشوری که ادعا دارد اجحافی در حق آن به انجام رسیده بایستی مسئله را به رکن حل اختلاف ارجاع بدهد. لذا رویه فوق تسهیلاتی را برای اعضا مهیا ساخته و توافق‌نامه‌هایی WTO را انعطاف پذیری نموده است (اکبری، ۱۳۹۱: ۸۰). کشورهای ضعیف در مذاکرات چند جانبه قادر هستند از



منابعشان به دفاع برخیزند. شرایط مشخص کننده مذاکرات و توافقنامه دوجانبه سخت‌تر از مذاکرات چند جانبه می‌باشد.

۷-۳- دسترسی به بازار و افزایش بهره‌وری

کنار گذاشتن و حذف محدودیت‌های تجاری "تعرفه‌های سنگین - محدودیت‌های صادراتی - یارانه‌ها - موانع غیر تعرفه‌ای" واجد منافع مشترکی برای نظام تجارت جهانی و محیط زیست می‌باشد. مفروضات فوق به نوعی می‌تواند به جوامع صادر کننده نفت در دسترسی بیشتر به بازارهای جهانی کمک نماید. فناوری‌های نوین با بسط و گسترش دانش و کاهش هزینه‌های تولید و حمل و نقل و بالا رفتن مقیاس تولید، میزان بهره‌وری و رشد را بالا می‌برد (شیروی، ۱۳۹۸: ۱۲).

در هر صورت ضرورت رعایت کردن استانداردهای بین‌المللی و ارتقای تکنولوژی ساخت داخل و بالا بردن سرمایه‌گذاری خارجی من جمله دستاوردهای ملحق شدن کشور ایران به WTO است.

۸- موانع و مخاطرات ناشی از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در ارتباط با قراردادهای نفتی

موانع و مخاطرات عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت در حوزه قراردادهای نفتی را می‌توان در موارد ذیل بررسی نمود:

۸-۱- تعرفه‌های صادرات

تعرفه‌های صادرات ابزار قانونی سیاست‌های تجاری برشمرده شده‌اند. کشورهای صادر کننده انرژی غالباً در راستای ایجاد درآمد از این چنین ابزارهایی برای محصولات انرژی استفاده می‌نمایند. هرچند آنها قادرند تعرفه‌های بالایی مشخص سازند و چنانچه حقوق و عوارض صادراتشان را تحت شرایط الحاق به سازمان جهانی تجارت محدود نموده باشند هیچ ممنوعیتی در مقابل این چنین تصمیمی وجود ندارد (شیروی، ۱۳۹۸: ۸۶).

۸-۲- مالیات‌های داخلی

مالیات وضع شده بر نفت نسبت به سوخت‌های دیگر بسیار بالاتر بوده و خلاف مطالبی که عنوان گردید سلسله ساختار مالیاتی به نحوی در نظر گرفته نشده است که به مقاصد زیست محیطی، کمک شایانی نماید. از دیدگاه صادر کنندگان انرژی مالیات‌های داخلی بالا که به واسطه وارد کننده فرآورده‌های نفتی منجمله بنزین اعمال می‌گردد توانایی آنها را در راستای به دست آوردن درآمد از منابع طبیعی شان تضعیف می‌سازد. در هر صورت مالیات‌های مذکور زمانی در مسیر سازمان جهانی تجارت بوده که بدون تبعیض اعمال گردند (شیروی، ۱۳۹۸: ۷۶).

۸-۳-یا، انه ها

امکان دارد به واسطه دولت و با هدف ارتقای شیوه‌های کارآمد تولید انرژی، یارانه‌ها استفاده گردند. از آنجایی که از دیدگاه اقتصادی، منابع انرژی‌های تجدیدناپذیر جایگزین نوده ایجاد یک سری طرح‌ها به



جهت حمایت از آنها، ضرورت پیدا می‌کند. اینچنین طرح‌هایی شامل فعالیت‌های صادراتی نمی‌گردد و تحت یک دسته از ممنوعیت یارانه قرار می‌گیرند (نصیریان، ۱۳۹۷: ۹۲).

اگر اعتقاد یک عضو سازمان جهانی تجارت چنین باشد که آثار یارانه مخرب است به نوعی می‌تواند تقاضای انصراف آن را دهد (ناصری، ۱۳۷۸: ۶۵) و چنانچه تولید کنندگان داخلی به علت واردات محصولات یارانه‌ای صدمه ببینند عوارض گمرکی جبرانی وضع می‌گردد. دولت‌ها در تلاش هستند تا با تنظیم کردن برنامه‌هایی از بخش‌های خصوصی به حمایت برخیزند به عنوان نمونه، تضمین مالی برای منابع انرژی که در تولید و توزیع برق به فعالیت پرداخته و لازمه حمایت مذکور آن بوده که خود اداره‌ی مستقیم فعالیت‌های مالی را بر عهده نگرفته و آنها را به بخش خصوصی محول نمایند که این مسئله اجرای مصادیقی بوده که در ماده ۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی مشخص گردیده است (شیری، ۱۳۹۸: ۱۵۸). بنابراین موافقت‌نامه واجد دو نوع قوانین تنظیم استفاده از یارانه و قانونمند ساختن اقدامات کشورها در راستای مبارزه با یارانه می‌باشد.

از طرفی موافقت‌نامه اذعان داشته که یک کشور قادر است رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت را با هدف کنار گذاشتن یارانه و یا برطرف نمودن آثار مخرب آن استفاده کند. و یا آنکه نظام بررسی‌های خود را مستقر نموده و بر روی آن دسته از واردات که به تولید کنندگان داخلی آسیب می‌زند عوارض اضافی و یا عوارض جبرانی و یارانه‌ای وضع نماید (شیری، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

۸-۴- قیمت گذاری دوگانه برای انرژی

یکی از مسائل سیاست گذاری در بخش نفت موضوع قیمت گذاری دوگانه تلقی می‌گردد (موحد، ۱۳۹۳: ۷۸). رویه‌هایی در خصوص منابع طبیعی مشاهده می‌شود که بر اساس آن‌ها قیمت‌های داخلی را پایین‌تر از آنچه نیروهای بازار مشخص می‌سازند نگه می‌دارند. از آنجا که قیمت گذاری دو نرخی با قانون و مقررات سازمان جهانی تجارت همسو و هماهنگ نبوده است پیدا کردن مکانیزم و سازوکارهای قابل قبولی که بتوان بر مبنای آن قیمت‌های داخلی را کمتر از قیمت جهانی نگه داشت و دسترسی به آن را کنترل نمود معضلاتی را در پی داشته است (شیری، ۱۳۹۸: ۸۵). موضوع قیمت گذاری دوگانه در



مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت آنجایی که جوامع خواهان عضویت خواسته شده تا از معرفی نظام دوگانه قیمت منصرف شوند - مطرح گردیده است.

در کل قیمت گذاری دوگانه برای تولید محصولات فشرده نظیر کود شیمیایی - فلزات مناسب و مطلوب به نظر می‌آید. قیمت گذاری دوگانه یک موضوع بحث برانگیز در مذاکرات الحاق جوامع واجد انرژی به سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد و بعید بوده که سیاست مذکور به نوعی بتواند مغایر با قانون و مقررات سازمان جهانی تجارت قرار گیرد (شیروی، ۱۳۹۸: ۸۷). لذا زمانی که این امتیازات برای قیمت گذاری محصولات صادراتی اعمال می‌گردد سیاستگذاری دوگانه به عنوان قانون و مقررات سازمان جهانی تجارت ممنوع می‌گردد و الا به قوت خود باقی می‌ماند.

۸-۵- قوانین فنی و معیارها

هدف موافقتنامه موانع فنی فراراه تجارت: دوری از موانع غیر ضروری تجارت - هماهنگی - همسان سازی قوانین فنی - رویه‌های ارزیابی مطابقت و شفافیت می‌باشد. تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت بایستی اصول فنی دیگر اعضا را نظیر اصول خود به رسمیت شناخته اگرچه با اصول و قواعد آنها تفاوت داشته باشد. نهادهای استاندارد در کشورها بایستی از اصول مشابه قواعد اجباری معین شده تبعیت کرده و از اعمال معیارهایی که موجب ورود آثار مخرب و غیر ضروری بر تجارت می‌گردند ممانعت نمایند. لذا قوانین موافقتنامه مذکور به علت اصول فنی بسیار سختی که در آن موجود است به شکلی می‌تواند موقعیت رقابتی آنها را در دسترسی به بازار شرکای تجاری تحت تاثیر قرار بدهد (شیروی، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

۸-۶- سرمایه گذاری

موافقتنامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت اختصاص به تدابیری داشته که تجارت کالا را تحت تاثیر قرار می‌دهد و نیز اقداماتی را که به محدودیت و بی‌نظمی تجاری می‌انجامد معین ساخته و تاکید داشته که هیچ عضوی قادر نیست اقداماتی را که برای خارجیان و کالاهای خارجی تبعیض آمیز باشد اجرایی کند به این معنا که از اصول رفتار ملی در گات تخلف نماید (نصیریان، ۱۳۹۷: ۶۵).



بنابراین آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری که به محدودیت‌های مقداری انجامیده شود غیر قانون اعلام می‌دارد. از طرفی موافقت‌نامه مذکور اقداماتی که واردات شرکت را محدود یا هدف‌های شرکت به جهت صادرات را معین و مشخص می‌سازد، ممنوع می‌نماید. الزامات موازنه تجاری یعنی کشورها می‌بایست سازمان جهانی تجارت و اعضای آن را از کلیه تدابیر سرمایه‌گذاری که بر اساس موافقت‌نامه فوق نبوده آگاه کنند. سازمان جهانی تجارت و عدم پوشش موضوعات تجاری نفت و انرژی؛ با وجود پیشرفت‌های صورت پذیرفته شده و آنکه سازمان جهانی تجارت نسبت به موضوعات انرژی منعطف‌تر گردیده است تاکنون برخی موضوعات حل نشده همچنان باقی مانده است (شیروی، ۱۳۹۸: ۷۱). من جمله آنکه تا به امروز تعریف حقوقی از لغت انرژی مطرح نگردیده است و در نهایت، تعریفی از تجارت کالا و خدمات انرژی در حوزه‌ی موافقت‌نامه گات و تجارت خدمات موجود نیست.

شک و تردیدهایی در خصوص روش طبقه‌بندی انرژی وجود داشته که آیا انرژی در شمار خدمات قرار می‌گیرد و کالا؟ که این چنین تمایزی ناپیوستی نادیده انگاشته شود به دلیل آنکه نوع برخورد موافقت‌نامه‌های گات و موافقت‌نامه‌های عمومی تجارت خدمات در خصوص این موضوع تفاوت‌هایی دارد (فاتح و حسینی صدرآبادی، ۱۳۹۵: ۳۳۲). بنابراین تجارت نفت با موضوعات بسیار سختی ارتباط پیدا می‌کند که سازمان جهانی تجارت به هیچ عنوان نمی‌تواند به سهولت آن را در کنترلش در بیاورد.

نفت از یک طرف با سرمایه‌گذاری خارجی ارتباط دارد که به هیچ عنوان نمی‌توان آن را از حقوق سرمایه‌گذاری جدا نمود و از طرفی نیز کالایی تجدید ناپذیر تلقی می‌گردد که استفاده بی‌رویه از آن، به واسطه تسهیل صادرات، نابودی این منابع را پرشتاب‌تر می‌سازد. بدون آنکه جایگزین مناسبی برای آن موجود باشد. جمعی از واردکننده و صادرکننده عمده انرژی تقاضای رسمی به سازمان جهانی تجارت ارائه نمودند که بر مبنای آن ضمن پذیرفتن حقوق دارندگان ذخایر انرژی از سازمان می‌خواست ترتیباتی را مقرر نماید تا بر مبنای آن، جوامع در حال توسعه مکلف گردند بازارهایشان را برای تجارت آزادتری در خصوص انرژی در مبادلات جهانی بگشایند (شیروی، ۱۳۹۸: ۱۰۵).



نفت در گات بدوا به عنوان قوانین اختیاری معرفی شده لیکن متعاقباً به شکل قواعد الزام آور به مجموعه قوانین سازمان جهانی تجارت افزوده شدند.

جای دادن نفت در دوره‌های آینده مذاکرات، مطرح نمودن تبعیضی بوده که جوامع مصرف کننده در رابطه با این منبع مهم انرژی اعمال داشته و همچنین مالیات‌ها و تعرفه سنگینی که بر واردات نفت و فرآورده‌های نفتی در جوامع مصرف کننده در نظر گرفته شده سنگین و تبعیض آمیز به نظر می‌آید و سبب محدود گردیدن تقاضا و روند تجارت آزاد می‌گردد. تولید کننده عمده نفت برای مطرح ساختن مخالفت خود با مالیات‌های بسیار بالای انرژی در جوامع مصرف کننده بایستی از چهارچوب سازمان جهانی تجارت و کلیه امکانات و ظرفیت‌های آن استفاده نماید. به این معنا که تولید کنندگان نفت با هر نوع مالیات‌بندی جدیدی که تفاوت میان نفت و دیگر سوخت‌ها نظیر زغال سنگ یا گاز طبیعی را افزایش بدهد می‌توانند تحت عنوان تبعیض به چالش برخیزند.

کاهش درآمد نفت سبب کاهش درآمدهای بودجه عمومی گردیده و توازن بودجه دولت را به هم می‌زند که نتیجه اجتناب ناپذیر آن بالا رفتن حجم پول و تورم بوده است. با در نظر گرفتن مطالبی که عنوان گردید به نوعی می‌توان به این نتیجه دست یافت که در کشور ما رشد تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال، تورم و در نهایت رفاه اجتماعی مستقیماً از عملکرد بخش نفت تاثیر می‌پذیرد و لذا توسعه صنعت نفت در لوای سازمان جهانی تجارت می‌تواند به توسعه رفاه عمومی و در نتیجه مطلوبیت حکمرانی منجر شود.

درحالی که اکثر جوامع که در این خصوص صاحب امتیاز می‌باشند حتی مواد اولیه مورد نیاز واحدهای صنعتی‌شان را هم وارد می‌نمایند، دسترسی آسان ایران به تامین مواد اولیه و در اختیار داشتن منابع عظیم و میداین بزرگ نفت و گاز در این کشور بلااستفاده و به شکل نیمه تعطیل واقع شده که علت مهم آن را بایستی در سوء مدیریت‌های هزینه‌ای و چالش‌های فضای کسب و کار و بی‌تفاوتی به برنامه‌های توسعه بنگاهی و کلان بخش پتروشیمی در سال‌های گذشته مشاهده نمود.

این در صورتی بوده که تاکید مسئولان نفتی بیشتر بر توسعه ارزش افزوده در بخش پتروشیمی می‌باشد تا در شرایط امروزی که تحریم نفتی ادامه داشته است بتوان وابستگی به نفت خام را به طرز چشمگیری کاهش داده و در عین حال بخش‌های مولد اقتصاد نفت را فعال کرد. در نهایت این پژوهش در پارهای از



زمینه‌های خدمات نفتی که از اصلی‌ترین بخش‌های آن دربرگیرنده‌ی سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای بیع متقابل و توجه به صنایع بالادستی و پایین دستی و عملیات سوآپ است، مصادیقی اشاره گردید که با در نظر گرفتن اصول سلسله ساختار سازمانی جهانی تجارت مزیت پیوستن به سازمان به نوعی می‌تواند زمینه‌های توسعه و پیشرفت کشور را در بخش نفت و گاز به دنبال داشته و موضوعات اساسی این الحاق نظیر آزادسازی نرخ کالا و خدمات، کاهش نرخ ارز، کاهش بهره بانکی و لغو انحصارات دولتی و کاهش عوارض گمرکی را در پی دارد. آزاد سازی قیمت گذاری کالا و خدمات می تواند سبب مهیا سازی اقتصاد کشور در فرایند ملحق شدن ایران بعد از انتخاب کارگروه مذاکره شود.

بطور کلی می توان وجود برخی امتیازات خاص (نظیر افزایش حجم سرمایه گذاری خارجی، بالابردن رقابت پذیری و بهره وری، توانایی پیشبرد اصلاحات داخلی با وجود مخالفت های گروه های ذینفع و ...)، منافع عمومی (برخوردار شدن از فرصت های جهانی، انتقال تکنولوژی به کشور، وارد شدن کشور به عرصه تصمیم گیری های اقتصادی جهانی و ...) و ایجاد استانداردهای بین المللی (ایجاد تکنولوژی های نوین برای بالابردن توان رقابت، بهبود فرایندها و در مجموع پیشرفت علم و ...) را از جمله مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت دانست.



منابع و مأخذ

۱. اکبریان، رضا، ۱۳۹۱، WTO و نقش آن در جهانی شدن اقتصاد، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۱۶، شماره ۹.
۲. الیاسی، حمید، ۱۳۹۰، ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت بازرگانی با یک بحث انتقادی، چاپ اول، انتشارات اطلاعات سیاسی و اقتصادی.
۳. امیدبخش، اسفندیار، طارم سری، مسعود، ۱۳۹۲، آشنایی با موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت "گات" و بررسی تبعات الحاق ایران به آن، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۴. بزرگی، وحید، ۱۳۹۶، دیپلماسی تجاری از اهداف تا ابزارها، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۵. بزرگی، وحید، موسوی دهموردی، سید محمدرضا، ۱۳۹۳، دیپلماسی اقتصادی و الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۲، شماره ۷.
۶. جوادی ارجمند، محمد جواد، ۱۳۹۶، جهانی شدن اقتصاد و پیامدهای آن بر سیاست گذاری خارجی ایران، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۳.
۷. حق، محمدعلی، ۱۳۹۹، آشنایی با سازمان جهانی تجارت، نشریه صنایع نساجی، شماره ۷.
۸. درخشان، مسعود، ۱۳۹۹، منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، مجلس و پژوهش، سال ۹، شماره ۳۴.
۹. راسخی لنگرودی، احمد، ۱۳۹۵، موج نفت، تاریخ نفت ایران از امتیازات تا قرارداد، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.

- | ۳۳



۱۹. فتحی، یحیی، ۱۳۹۱، وضعیت تجارت خارجی ایران در چهارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت، از سری مقالات پژوهشی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ایران، شماره ۴.

۲۰. فرح سا، فرح، ۱۳۹۵، فرایند حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت در حوزه نفت، نشریه بررسی‌های اقتصادی انرژی، شماره ۵.

۲۱. فیروزی، مهدی، ۱۳۹۴، الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات، علوم اجتماعی، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۴۴.

۲۲. کميجانی، اکبر، ۱۳۹۴، تحلیلی پیرامون تجارت تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان جهانی تجارت و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره ۵.

۲۳. موحد، محمد علی، ۱۳۹۳، نفت ما و مسائل حقوقی آن، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.

۲۴. نصیریان، محمد مهدی، ۱۳۹۷، گات ۵۰ سال گذشت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۱، سال ۳.

۲۵. نیک بخت، حمیدرضا، ۱۳۹۶، آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد، مجله حقوقی، شماره ۲۱.

۲۶. نوراحمدی، مهدی و سعدی، حسین علی و سجادیان، ولی احمد و امانی، مسعود، ۱۳۹۶ "شکست بازار در تحقق تولید صیانتی نفت در بستر نظریه قرارداد". دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی، دوره ۱۳ شماره ۲۶، ۱۲۳-۱۵۰.

لوگو سازمان ها و نهادها علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر ها علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین



اکانت اینستا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
Ghanonyar@YAHOO.COM

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی


 سازمان علمی، فرهنگی و اطلاعاتی
 تحت پوشش خبری صداوسیما



جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵